



نادر خلیلی

خلیلی؛ آنان که به نظر خاک، را کیمیا کنند

Khalili, those who turn lead into gold | Elahe Zand

الهه زند

«زمانی که پس از پایان تحصیلاتم در ایران، ترکیه و آمریکا در معماری دارای موقعیت بودم، جمله‌ای از پسرم دگرگونم کرد. روزی به او گفتم چرا با دوستانت مسابقه نمی‌دهی. او گفت دوست دارم تنها و با خودم مسابقه دهم. گویی آتشی در دلم بیدار شد. من هم باید به جای مسابقه با دیگران با خودم مسابقه می‌دادم. به ایران بازگشتم و از دل کویر ایران عصاره‌ای از معجزه خاک و آتش یافتم.» (خلیلی، ۱۳۹۸)

خلیلی شروع به آموختن از استادکاران بومی کرد، ماهیت اسرارآمیز خاک را از نزدیک لمس کرد و بنا به گفته خود، خاک را با احساس شناخت، نه با منطق؛ و سپس این هنر وام‌گرفته از پیشینیان را در قالبی جدید بنیان نهاد. ایده سوپر ادوب یا ابرخشت به‌عنوان راه‌حلی ساده، ارزان و سریع می‌توانست در اختیار روستاییان و پناهجویان قرار گیرد یا در مواقع ضروری مانند زلزله، به سرپناهی امن، کاربردی و زیبا بدل شود؛ راه‌حلی که به خاطر سادگی و قدمتش نبوغ‌آمیز است؛ چراکه همیشه نباید به دنبال خلق چیزی از نو بود. این ایده که از دانش پیشینیان در زمینه کار با خاک و معماری خاک با آن‌همه ظرافت و استحکام استفاده کنیم و آن را به زبان حال ترجمه کنیم و ارتقا ببخشیم، می‌تواند سرلوحه فعالیت تمام معماران جوان باشد. خلیلی معتقد بود آموزش مهارت‌های پیشینیان و شناخت مصالح، ویژگی‌ها و نحوه کار کردن با آن‌ها را باید از کودکی شروع کرد. این تفکر که آشنایی باظرافت و شعور خاک را از دوران کودکی آغاز کنیم و به رابطه میان انسان و خاک توجه کنیم، می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد تغییراتی وسیع در چهره شهرها باشد؛ در اینجا منظور بازگشت به گذشته نیست بلکه هدف، استفاده از دانش و مهارت پیشینیان و ترجمه آن به زمان حال و بهره‌گیری از آن است. همچنین نگاه او به پدیده آموزش معماری با آنچه امروز در کشورمان می‌بینیم به‌طور کامل متفاوت بود؛ او به آموزش عملی و کارگاهی و شناخت دقیق مصالح و سازه‌ها از نزدیک تأکید داشت و آن را کلید خودکفایی معماری حال حاضر می‌دانست؛ درحالی‌که در سیلابس آموزشی فعلی دانشگاه‌ها، دانشجویان تنها تجربه‌ای محدود و ناقص از مصالح دارند و اساتید تنها به ارائه تئوری مباحث اکتفا می‌کنند و این‌گونه است که فارغ‌التحصیلان معماری با سودای شهرت و با تکیه بر تعاریف اولیه از خلاقیت به دنبال ساخت بناهایی متحیرکننده هستند؛ و تنها مصالحی که می‌شناسند و مایل به استفاده از آن هستند، بتن و فولاد است؛ فارغ از اینکه می‌توانند با شناخت فرایندهای زندگی افراد و با تکیه بر دانش به‌جامانده از پیشینیان دست به طراحی و خلق فضایی برای زیست انسان بزنند، نه فقط حجمی برای ستایش.

Super adobe .1

منبع:

■ خلیلی، نادر (۱۳۹۸). تنها دویدن، تهران: انتشارات نشر چشمه.